



عنوان و نام پدیدآور: پاسخ چیست؟ / گردآورنده معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضی، ۱۳۹۱.

فروست: رهنما

شابک: 978-600-299-006-8

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: شیعه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

موضوع: اهل سنت -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

موضوع: وهابیه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

شناسه افزوده: موسسه انتشاراتی قدس رضی

شناسه افزوده: آستان قدس رضی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

رده بندی کنگره: BP۲۱۲/۱۳۹۱۵/۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۸۲۰۸۹



۱۰ → پاسخ چیست؟

نویسنده: علی رضا مستشاری

آستان قدس رضی

چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

نشانی: حرم مطهر امام رضا (ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی

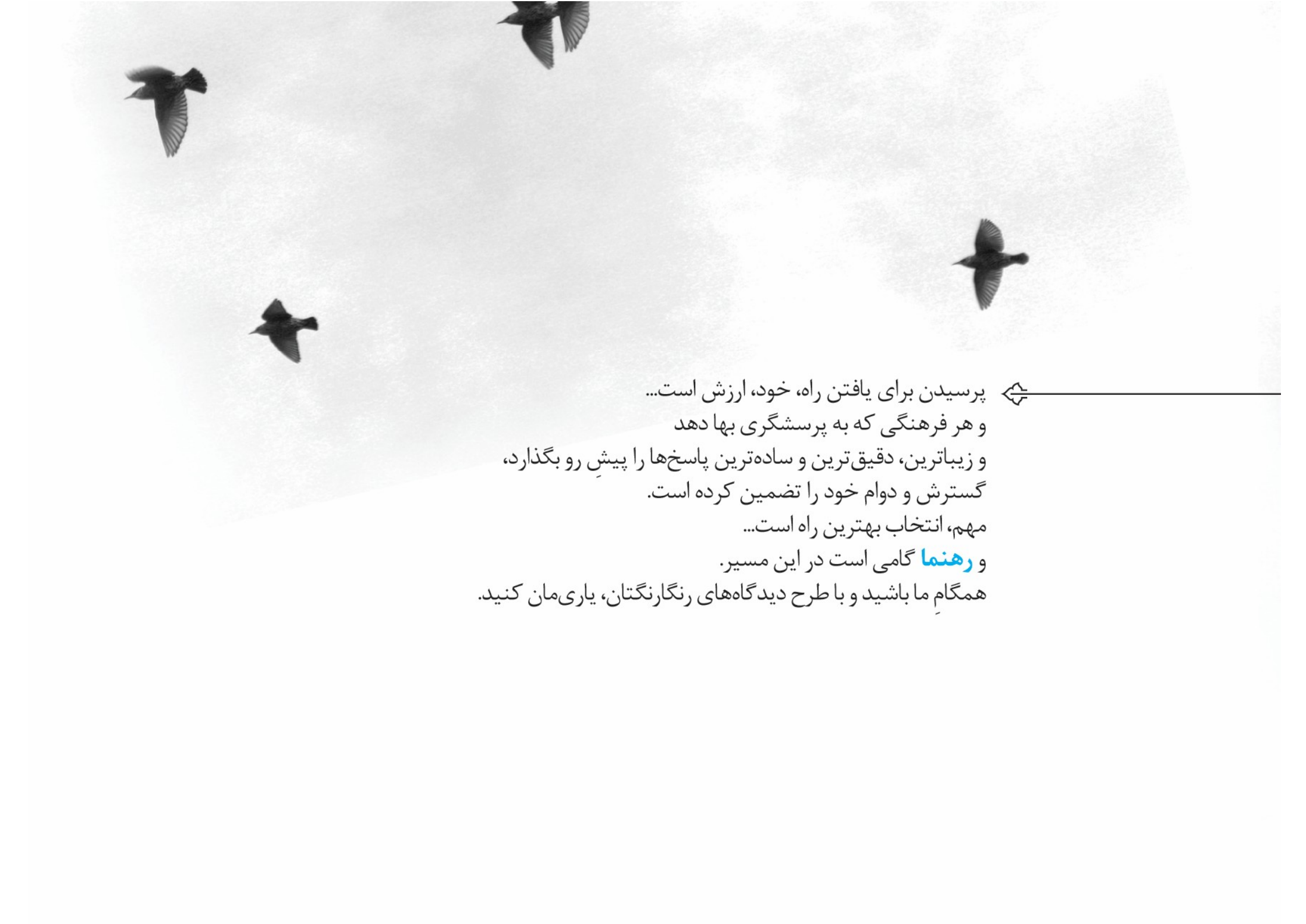
تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ / دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ / rahnama@aqrazavi.org

به کوشش: محمدحسین پورامینی

ویراستار: محمد مهدی باقری

طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی





پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



مَعْرِفَةُ

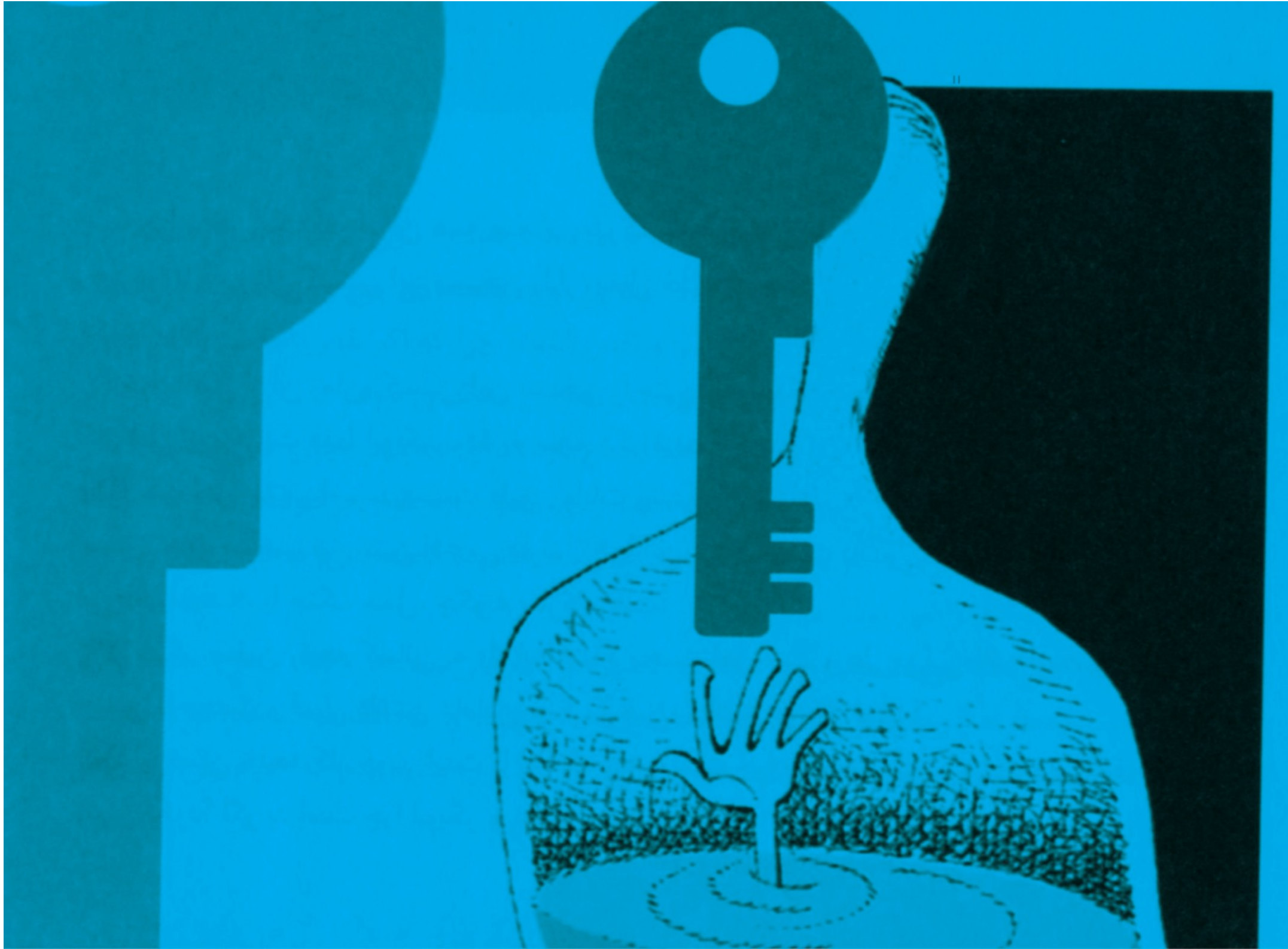


پاسخ چیست؟

درآمد

عقل، حجت خدا بر انسان‌هاست و خداوند انسان را در روز قیامت به مُدرکات عقلی عِقاب و ثواب می‌دهد. اگر خلاف عقل چیزی را بپذیریم، در محضر الهی هیچ عذری نخواهیم داشت. بنابراین، از جوانان و فرهیختگان همهٔ مذاهب انتظار می‌رود که ابتدا دین و مذهب خود را با این مایهٔ گران‌بها محک بزنند و سپس قضاوت کنند.

کتابچه‌های رهنما برای پاسخ به پرسش‌هایی فراهم آمده‌اند؛ ولی برخلاف آن‌ها، در نوشتهٔ پیشِ رو طرح چند سؤال بسیار ساده، بدون نیاز به پاسخ و به‌صورت استفهام انکاری، محور قرار گرفته است. در این پرسش‌ها تناقضات آشکاری را در اعتقادات برخی مذاهب، به‌خصوص فرقهٔ وهابیت، یادآور می‌شویم:



۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در راه بازگشت از حجة الوداع، در حالی که جمعیت حاجیان به منطقه غدیر رسیدند، فرمودند: «آنان که جلو رفته‌اند، بازگردند و آنان که پشت سر هستند، برسند.» سپس فرمودند جهاز شتران را روی هم بگذارند و منبری بلند به وجود آورند. سپس، خطبه غدیر را ایراد فرمودند.

در این موقعیت و با همه این مقدمات، آیا معقول است که کلمه «مولا» در این خطبه به معنای «دوست» باشد و پیامبر صلی الله علیه و آله به سبب اختلاف شخصی یک نفر با حضرت علی علیه السلام این خطبه را ایراد کرده باشند؟! با قطع نظر از همه بحث‌های طولانی، اگر انسان به عقل خود رجوع کند، آیا این معنا خنده‌دار به نظر نمی‌رسد؟

۲. بر فرض محال که مولا در حدیث غدیر به معنای دوست باشد و نه به معنای حاکم و خلیفه. آیا بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله به این توصیه عمل شد؟ دوست داشتن را با کشتن و جنگیدن و منزوی کردن چگونه می‌توان جمع کرد؟ آیا خانه نشینی حضرت علی علیه السلام به مدت ۲۵ سال و



به راه انداختن جنگ جمل و صفین، محبت و دوستی به ایشان است؟

۳. وهابیان توسل به پیامبر را در زمان زنده بودن وی جایز می دانند؛ اما در زمان رحلت، شرک. سؤال این است که زندگی و مرگ، چه اثری در حقیقت شرک دارد؟ اگر شرک است، چه پیامبر زنده باشد و چه مُرده، باید شرک تلقی شود.

۴. آیا خدایی که در روز قیامت، چشم، گوش، دست، پا و دهان دارد و فقط از داشتن عورت و ریش محروم است، واقعاً شایسته پرستش است؟ باور می کنید وهابیان چنین اعتقادی دارند؟

۵. در جنگ احد، وقتی شایعه کشته شدن پیامبر ﷺ پخش شد، چه کسانی فرار کردند و آیه ارتداد درباره آنان نازل شد؟ آیه ارتداد چنین می گوید: ﴿ثُمَّ أُنْزِلَ عَلَيْكَ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يَبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا

قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ. ﴿۹﴾ (= سپس به دنبال این غم و اندوه، آرامشی بر شما فرستاد. این آرامش، به صورت خواب سبکی بود که [در شب بعد از حادثهٔ اُحد،] گروهی از شما را فراگرفت؛ اما گروه دیگری به فکر جان خویش بودند [و به چشمانشان خواب نرفت]. آنان گمان‌های نادرستی همچون گمان‌های دوران جاهلیت دربارهٔ خدا داشتند و می‌گفتند: «آیا چیزی از پیروزی نصیب ما می‌شود؟» بگو همهٔ کارها [و پیروزی‌ها] به دست خداست. آنان در دل خود، چیزی را پنهان می‌دارند که برای تو آشکار نمی‌سازند. می‌گویند: «اگر ما سهمی از پیروزی داشتیم، در اینجا کشته نمی‌شدیم.» بگو اگر در خانه‌های خود هم بودید، کسانی که کشته‌شدن بر آنان مقرر شده بود، قطعاً به‌سوی آرامگاه‌های خود، بیرون می‌آمدند [و آنان را به قتل می‌رسانیدند]. این‌ها برای آن است که خداوند آنچه در سینه‌هایتان پنهان دارید، بیازماید و آنچه در دل‌های شما [از ایمان] است، خالص گرداند. خداوند از آنچه در درون



سینه‌هاست، باخبر است).^۱

۶. آیا کسی که در مدت چهل سال از عمر خود، مشغول پرستش لات و عُزّا و سایر بت‌ها بوده است، به فرض اینکه پس از آن انسان خوبی شده باشد، برای خلافت رسول الله ﷺ بر مسلمانان سزاوارتر است یا کسی که حتی لحظه‌ای بت نپرستیده است و مسلمانان از او با عنوان کرم الله وجهه (= خداوند روی او را [به سبب سجده نکردن بر بت‌ها] کریم داشته است) یاد می‌کنند؟

۷. اشخاص به ظاهر عالمِ برخی فرقه‌ها که به کفر و شرک سایر مذاهب اسلامی فتوا می‌دهند، آیا تاکنون به کفر و شرک بوش، صدام، بلر، سارکوزی و سایر سردمداران مخالف مسلمانان فتوا داده‌اند؟ آیا رفاقت این عالم‌نمایان با آن دشمنان کینه‌توز مسلمانان، دلیل این



نیست که اینان آگاهانه یا ناخودآگاه، جیره‌خوار همان سردمداران استبدادند؟

۸. آیا تاکنون علمای فرقه وهابیت حکم وجوب جهاد با اسرائیل را صادر کرده‌اند؟ آیا فلسطینیان از مسلمانان اهل تسنن نیستند و آیا در معرض ظلم و ستم اسرائیل واقع نشده‌اند؟ ۹. از نظر علمی و عقلی، برای بحث با شیعیان و دیگر مسلمانان، آیا می‌توانیم به احادیثی که از نظر آنان جعلی و غیر واقعی است، استناد کنیم؟ چگونه روایاتی را بپذیریم که برخی از راویان آن‌ها کذاب، منحرف، جعال و غیر موثق‌اند؟ به راستی، ابوهریره، ابن ملجم، سمره بن جندب و معاویه، چه کسانی بودند؟ آیا می‌توان به احادیث نقل شده از آنان اطمینان کرد؟

۱۰. آنان می‌گویند شیعیان قائل به خیانت جبرائیل امین‌اند؛ زیرا جبرائیل مأمور بود وحی را بر علی علیه السلام نازل کند؛ ولی او خیانت کرد و بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرد. آیا هیچ شیعه‌ای می‌شناسید که چنین اعتقادی داشته باشد؟ آیا چنین تهمت‌های پوچ و بی‌اساسی نشان



سورة الأتية

نمی‌دهد که مذهب تشیع عاری از عیب و نقص است؟ اگر نقص اساسی هم وجود داشت، می‌بایست آن‌را طرح کنند و به تهمت و مسائل ساختگی نیازی نبود.

۱۱. آنان می‌گویند امت بر خلافت برخی خلفا اجماع کردند. آیا مخالفانی همچون علی علیه السلام، سلمان، اباذر، مقداد و... جزو امت نبودند که باوجود مخالفت آنان، اشتراک نظر عده‌ای را اجماع تلقی می‌کنند؟

۱۲. آیا خط فکری دختر بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام، با خلفا یکی بود و ایشان از عملکرد آنان راضی بودند؟

چرا گفته‌اند ابی‌سعید و ابن‌عباس و شهادت امام علی علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهم السلام را درباره‌ی اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فدک را به فاطمه علیها السلام بخشیده‌اند، نمی‌پذیرند؟ ولی فقط سخن ابوبکر که می‌گوید: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که پیامبران ارث باقی نمی‌گذارند»، پذیرفتنی است؟ چرا سخن یک نفر را بر آن همه صحابی بزرگ ترجیح می‌دهند؟ چرا تا آن زمان،



کسی این سخن را از رسول خدا ﷺ نشنیده و کسی آن را نقل نکرده بود؟ چرا تا قبل از آن زمان، کسی این سخن را حتی از ابوبکر نشنیده بود؟ برای اثبات اینکه ناقل این حدیث فقط ابوبکر بوده است، به منابع ذکر شده بنگرید.^۱

۱۳. حبّ اهل بیت پیامبر ﷺ، طبق روایات رسول الله ﷺ، بر همه مسلمانان لازم است و همه مذاهب نیز چنین ادعایی دارند.^۲ با این حال، دوست داشتن اهل بیت و علی بن ابی طالب ﷺ چگونه با جنگ جمل سازگار است؟

۱۴. جنگ صفین را چه کسانی راه انداختند؟ حبّ اهل بیت و علی بن ابی طالب و حسن و حسین ﷺ با محبت و قبول داشتن عاملان جنگ صفین چگونه سازگار است؟

۱. نک: شرح المواقف، ۳۵۵/۸؛ شرح المقاصد، ۲۷۸/۵.

۲. زمخشری، امام المفسرین اهل تسنن، روایات وجوب محبت به اهل بیت ﷺ را در تفسیر کشاف، ذیل آیه ۲۳ سوره شورا نقل کرده است.

۱۵. تعیین خلیفه کار خوبی است یا بد؟ اگر خوب است، چرا می‌گویید پیامبر ﷺ خلیفه

تعیین نکردند؟ اگر بد است، چرا ابوبکر و عمر چنین کردند؟

۱۶. از نظر عقلی، آیا ممکن است محبت معاویه، طلحه، زبیر و عایشه، با محبت

علی بن ابی طالب علیه السلام در یک دل جمع شود؟ اهل تسنن این تناقض را چگونه به جوانان خود پاسخ می‌دهند؟

۱۷. برخی پیروان مذاهب با استناد به اینکه ﴿تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ

لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (= آنان امتی هستند که از دنیا رفته‌اند. آنان سزای عمل خویش را می‌بینند و شما سزای عمل خویش را)،^۱ بر آن‌اند که کاری با عملکرد صحابه بعد از پیامبر ﷺ نباید داشته باشیم. آیا این استناد و استدلال، منطقی است؟ شأن نزول این آیه



شریف این است که پدران و خویشانِ برخی مسلمانان کافر بودند و آنان از این بابت، نگران و شرمنده. به همین دلیل، این آیه نازل شد و طبق آن، عمل آن کافران به عمل مسلمانان ربطی ندارد.

۱۸. آنان به اجتهاد خود عمل کردند. هر کس در اجتهادش به حق برسد، دو اجر دارد و هر کس به خطا رود، یک اجر. حال، آیا کسی که در مقابل روایات صریح و آشکار پیامبر ﷺ اجتهاد می کند و همه نیز معترف اند که خطا رفته است و نباید با علی و اولاد او ﷺ می جنگید، سزاوار پیروی و خلافت مسلمانان است؟

۱۹. آیا ممکن است که دو گروه، با وجود داشتن دو سیره و عملکرد متفاوت و گاهی متناقض، حق باشند؟

۲۰. اکثر قریب به اتفاق قاتلان اولاد و اهل بیت پیامبر ﷺ، به ویژه دوازده امام علیّه، یا از امویان بودند یا از عباسیان. حال، سؤال این است که مؤسس این دو سلسله یا حامی

آن‌ها، کدامیک از خلفای راشدین بوده است؟ بنیان‌گذار سلسلهٔ اموی، معاویه بود. معاویه را کدامیک از خلفا بر مسند حکومت نشانند و تا آخرین لحظهٔ عمر، از وی حمایت کرد؟

۲۱. حاکم نیشابوری در المستدرک، روایتی از امام علی علیه السلام نقل می‌کند: انه مما عهد الی النبی صلی الله علیه و آله و سلم ان الامة ستغدر بی بعده. (= از پیمان‌هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از من گرفته، این است که امت پس از او، به من خیانت خواهند کرد).^۱ حاکم نیشابوری پس از نقل این روایت می‌نویسد: «أسناد این روایت صحیح است.» ذهبی نیز در تلخیص المستدرک می‌نویسد: «این روایت صحیح است.»^۲ این درحالی است که علمای اهل سنت مقرر کرده‌اند هر حدیثی که در تصحیح آن، ذهبی یا حاکم نیشابوری همراه و موافق باشند، در حکم دو حدیث صحیح است. گفتنی است که این حدیث را ابن‌ابی‌شبه، بزاز، دارقطنی، خطیب بغدادی، بیهقی و

۱. المستدرک که ۱۴۰/۳.

۲. تلخیص المستدرک که ۱۴۰/۳.

دیگران نیز نقل کرده‌اند.^۱ حال، سؤال این است که این خیانت چه بوده و خیانت‌کاران چه کسانی بوده‌اند؟

۲۲. نخستین کسانی که مسئله لعن را رسمی کردند، چه کسانی بودند؟ به عبارت دیگر، چه کسی دستور داد که علی علیه السلام را در خطبه‌ها لعن کنند؟

۲۳. تعریف «صحابه»، طبق نظر همه مذاهب اسلامی، این است که هر کس در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زندگی کرده و آن حضرت را دیده و درک کرده باشد، از صحابه است. این گونه، تعداد صحابه به چند هزار نفر می‌رسد. آیا اعتقاد به عدالت همه آنان، موضوعی معقول و پذیرفتنی است؟ اگر همه صحابه عادل بودند، پس آیات مربوط به منافقان در شأن چه کسانی نازل شده است؟ اگر همه صحابه عادل بودند، آیه **﴿إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا﴾** (=

۱. تاریخ بغداد، ۲۱۶/۱۱؛ تاریخ مدینه دمشق، ۴۴۷/۴۲؛ تذکره الحفاظ، ۹۹۵/۳.



هرگاه فاسقی برای شما خبری آورد، جست و جو کنید)،^۱ در شأن چه کسانی نازل شده است؟
۲۴. چگونه حدیث عشرة مبشره صحیح است، در صورتی که متضمن اضداد است؟ این
به معنای تضاد است و حال آنکه، جمع بین الاضداد، از محالات عقلی است.^۲ خطمشی
ابوبکر با عمر فرق می کرد و گاهی یکدیگر را نفی می کردند. خطمشی عثمان نیز با هر دو
فرق می کرد. خطمشی علی ابن ابی طالب علیه السلام با هر سه فرق داشت. ایشان هیچ ارزشی برای
سیره شیخین قائل نبودند. به همین دلیل، در روز شورا، شرط پیروی از سیره شیخین را
نپذیرفتند.^۳ خطمشی و روش عبدالرحمن بن عوف با عثمان کاملاً متناقض و متضاد بوده و

۱. حجرات، ۶.

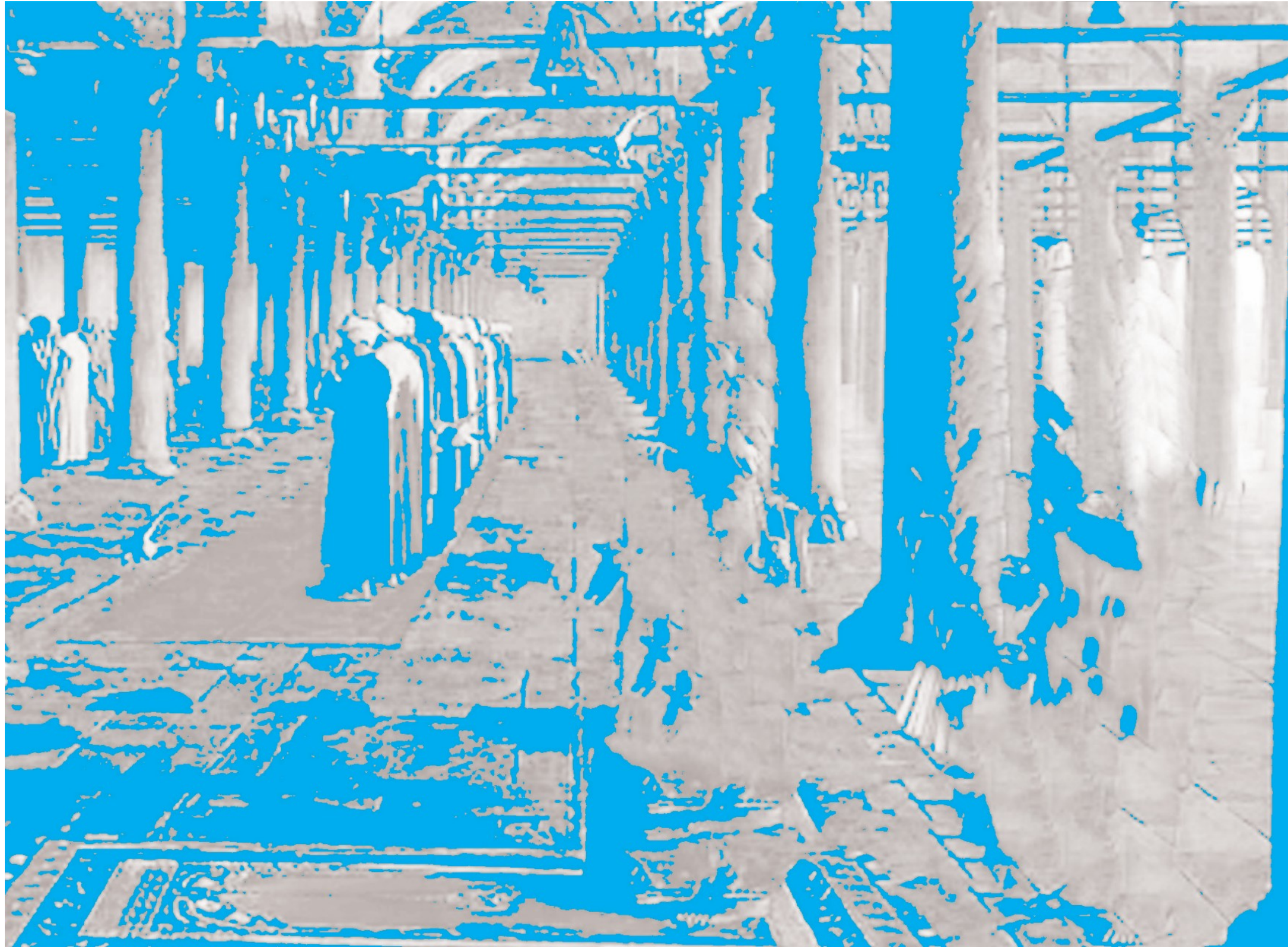
۲. القاموس، ۵: ۲۴.

۳. اسد الغابه، ۴: ۳۲؛ تاریخ یعقوبی، ۲: ۱۶۲؛ تاریخ الطبری، ۳: ۲۹۷؛ تاریخ المدینه، ۳: ۹۳۰؛ تاریخ ابن خلدون، ۲: ۱۲۶؛
الفصول للجصاص، ۴: ۵۵.

تا آخر عمر با او قهر بود و در این حال فوت شد. خط‌مشی و روش حضرت علی علیه السلام با طلحه و زبیر فرق می‌کرد و بر همین اساس، ریختن خون آنان را مباح می‌دانستند. آنان نیز جنگ با حضرت علی علیه السلام را جایز و قتل ایشان را مباح می‌دانستند. حال، آیا همه این‌ها جزو عشرة مبشره است؟ یعنی همه این روش‌های متناقض امضا شده است و اسلام و آیین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن‌ها را می‌پذیرد؟

۲۵. آیا حدیث انی تارک فیک الثقلین کتاب الله و عترتی، در منابع اهل تسنن موجود است؟ اگر هست،^۱ معنای آن چیست و چگونه از عترت و اهل بیت پیامبر آنان در امور جامعه

۱. احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ص ۱۲/۱۵؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۱۴ و ۱۷ و ۲۶؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۳۷۱؛ عبدالله بن بهرامی الدرامی، سنن الدرامی، ج ۲، ص ۴۳۲؛ الحکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۰۹ تا ۱۴۸؛ الحکم نیشابوری، المستدرک، ج ۷، ص ۳۰، فی بیان آل محمد؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۱۰، ص ۱۱۴، باب ما یقضى به القاضی؛ ابن الجعد، مسند، ص ۳۹۷، باب من حدیث محمد بن طلحه بن مصرف؛ عید بن حمید، منتخب مسند، ص ۱۱۴، در مسند زید بن ارقم؛ عمر بن ابی عاصم، کتاب السنه، ص ۶۲۹؛ النسائی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۴۵، فضایل علی علیه السلام (وی رضی الله





مسلمانان استفاده شد؟ آیا پس از پیامبر ﷺ، اهل بیت ایشان را منزوی نکردند؟

۲۶. آنچه از حدیث ثقلین متواتر و صحیح است، عبارت کتاب الله و عترتی اهل بیتی است. چنان که مسلم^۱ و ترمذی^۲ آن را آورده‌اند و البانی^۳ نیز آن را تصحیح کرده است؛ ولی عبارت کتاب الله و سنتی ضعیف است و مالک^۴ آن را مرسلاً نقل کرده است. بر مراسیل او اتفاق و

عنها آورده است؛ النسائی، خصائص امیر المؤمنین، ص ۹۳؛ ابویعلی الموصلی، مسند ابی یعلی، ج ۲، ص ۲۹۷؛ صحیح ابن خزیمه، ج ۴، ص ۶۳؛ الطبرای، المعجم الاوسط، ج ۴، ص ۳۳؛ الطبرای، المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۱۳۱؛ الطبرای، المعجم الکبیر، ج ۳ و ۵، ص ۶۶؛ ابن سلامه، دستور معالم الحکم، ص ۱۴۶؛ زمخشری، الفایق فی غریب الحدیث، ج ۱، ص ۱۵۰؛ المتقی الهندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۶؛ المتقی الهندی، کنز العمال، ج ۵، ص ۲۹۰؛ المحمدیه ابودیه، اضواء علی السنه، ص ۴۰۴؛ محمود سعید ممدوح، رفع المناره، ص ۱۵۶؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۵.

۱. مسلم، صحیح، ۴: ۱۸۷۳.

۲. ترمذی، سنن، ۵: ۶۲۲.

۳. سلسله الاحادیث الصحیحه، ۴: ۳۵۶.

۴. الموطأ، ۲: ۸۹۹ داراحیاء التراث العربی. حاکم نیشابوری در مستدرک (۱: ۱۷۲) نص دوم را آورده؛ ولی در سند آن صالح بن موسی طلحی است. درباره او گفته‌اند: لیس بشی لیس بثقه، ضعیف الحدیث علی حسنه، ضعیف الحدیث جدا، کثیر



اجماعی وجود ندارد و هیچ‌یک از صحاح سته آن را نقل نکرده‌اند. باین حال، چرا اهل تسنن بر عبارت دوم اصرار دارند و عبارت اول را کمتر در خطبه‌ها ذکر می‌کنند یا اصلاً نمی‌گویند؟ با توجه به اینکه عمر بن الخطاب در حضور پیامبر ﷺ و در بیماری و موت ایشان اصرار داشت که به سنت پیامبر نیازی ندارند، آیا حسبن کتاب الله با روایتی که بر آن اصرار دارند، کتاب الله و سنتی، جمع می‌شود؟

۲۷. پس از پیامبر ﷺ، مردم به دو جناح پیروان صحابه و پیروان اهل بیت علیهم السلام تقسیم شدند. از نظر عرفی و عقلی، اهل بیت علیهم السلام به پیامبر ﷺ نزدیک‌ترند یا صحابه؟ چه کسانی برای حفظ دین و احکام پیامبر ﷺ باید دلسوزتر باشند؟ این دین به جدّ چه کسانی مربوط بوده است؟

المناکیر عن الثقات، لا یکتب حدیث، ضعیف... تهذیب التهذیب، ۴: ۳۵۴. حاکم آن را به سند دیگری نقل کرده و در آن، اسماعیل بن عبدالله بن عبدالله بن اویس است. او نیز همانند طلحی، ضعیف و وضاع حدیث و دروغ‌گو است (تهذیب التهذیب، ۱: ۲۷۱).



۲۸. قاتلان امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، پیرو صحابه بودند یا پیرو اهل بیت علیهم السلام؟

۲۹. چگونه است که بوسیدن فرزند، همسر، پدر، مادر و حاکمان، مجاز و پسندیده است؛

ولی بوسیدن خانه خدا و حرم پیامبر صلی الله علیه و آله، شرکی عظیم و حرامی نابخشودنی؟ آیا جوانانِ آنان می‌توانند این مسائل را با عقل خود سازگار سازند؟

۳۰. آیا همه مشکل جهان اسلام در زیارت رفتن برخی مسلمانان خلاصه می‌شود و

هیچ گونه مشکل و ظلمی را یهود و نصارا بر جهان اسلام وارد نمی‌کنند؟ چرا کاخ‌های استبداد را رها کرده و به مبارزه با تعدادی قبر پرداخته‌اند؟

۳۱. قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾ (= یهودیان و

مسیحیان از تو راضی نمی‌شوند؛ مگر اینکه تابع کیش آنان شوی).^۱ حال، یهود و نصارای



زمان ما، اسرائیل و امریکا، از کدام مذهبِ موجودِ راضی‌اند؟

۳۲. آیا رضایت یهود و نصارا از گروهی از مسلمانان، طبق آیه مذکور، دلیل پیروی آن مسلمانان از کفار نیست؟

۳۳. امریکا و اسرائیل با کدام‌یک از دولت‌ها رفیق و هم‌پیمان‌اند؟

۳۴. چرا حکومت‌های مدّعی پیروی از سنت پیامبر ﷺ، قطعاً از امریکا پیروی می‌کنند؟

۳۵. چرا مدّعیان پیروی از سنت پیامبر ﷺ، از فلسطینیان مظلوم که از ظلم صهیونیسم به‌ستوه آمده‌اند، حمایت نمی‌کنند؟ در صورتی که آن مظلومان همه اهل‌تسنّ‌اند. چه کسانی از جنگ ۳۳ روزه مسلمانان غیور لبنان علیه صهیونیسم حمایت نکردند و حتی درباره آن ابراز نگرانی کردند؟

۳۶. تخریب آثار تاریخی اسلام با چه هدفی صورت می‌گیرد؟

۳۷. تاکنون، کدام‌یک از کشورهای جهان آثار تاریخی خود را تخریب کرده است؟



به راستی، تخریب آثار تاریخی اسلام به بهانه شرک درست است؟

۳۸. آیا تخریب خندق در محوطه جنگ احزاب و تخریب حرم ائمه بقیع علیهم السلام و آثار اُحد، کمتر از تخریب مجسمه بودا در افغانستان اهمیت داشت که یونسکو برای تعرض به آن، اعلامیه صادر کرد؟ آیا بین وهابیان و سازمان‌های بین‌المللی برای محو آثار اسلامی، تباری و هماهنگی و همکاری صورت نگرفته است؟

۳۹. آیا استفاده از مظاهر تمدن مانند دوربین و هواپیما و برپایی مراسم جشن تولد و سایر مراسم بدعت است؟ کسی که به چنین نظری قائل باشد، آیا واقعاً مرتجع نیست؟

۴۰. چرا زنان را در بیشتر مساجد عادی، غیر از مسجدالنبی و مسجدالحرام، راه نمی‌دهند و حتی در مسجدالنبی نیز کمترین حق را برای آنان قائل‌اند؟ زنان حق رأی ندارند و رانندگی آنان جرم محسوب می‌شود. آنان هیچ‌گونه نقشی در اداره کشور و جامعه، حتی جامعه زنان، ندارند و با دید حقارت به آنان نگریسته می‌شود. در یک جمله، حقوق زن



در برخی کشورهای مدعی سنت پیامبر ﷺ پایمال می‌شود. باوجوداین، هیچ‌گاه امریکا و سازمان ملل و شورای امنیت، این کشورهای مرتجع را به‌دلیل نقض حقوق زنان محکوم نکرده و اصلاً چنین مسئله‌ای را طرح و بررسی نمی‌کنند.

آیا این مهم نشان از هم‌پیمانی...

صدها نمونه از تناقضات و ناسازگاری‌ها با عقل در اعتقادات برادران عامه یا فرقه وهابیت وجود دارد که ذهن را درگیر می‌کند و این‌شاءالله در فرصتی دیگر بیان خواهیم کرد.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.